

اینکه فرمودید يك مالیات و يك هوارضی هست که دولت از آن عواید چندین مدرسه را تکفل میکنند همان مدارس هم حالاً دوچار يك عسرت خیلی زیادی شده اند البته وظیفه دولت است که هم حقوق عقب افتاده معلمین مدارس دولتی را برساند و هم بآنها کمک بنماید که مدارس آنها بسته نشود و امیدوارم عنقریب این آرزوی بنده حاصل شود یعنی باب آنها کمک بکنیم یا شاگردان آنها را تحویل می گیریم چون بنده خودم معلم هستم از تنگدستی آنها مسبوقم و میدانم معلمین که به آنها پول نمیرسد اصلاً نمیتوانند درس بگویند. سلولهای دماغ آنها خسته میشود و حاضر بدرس دادن نیستند بنده خودم شخصاً حس میکنم و این مطالب را هم به آنها گفته ام و امیدوارم بزودی این مطلب خاتمه پیدا کند و آنها راحت شده و قدر و قیمت واقعی معلمین دانسته شود.

نصرت الدوله - بنده را این جواب آقای وزیر معارف چون متضمن تمهید صریحی بوده از طرف دولت قانع گرد ولی امیدوارم يك اقدام خیلی سریعی بنمایند چون گذشتن وقت برای آنها خیلی مشکل تر است تا برای اشخاصی که نخواهند برای آنها فکر کنند.

وزیر معارف - در باب معلمین خیلی خوشوقتیم که دولت عموماً و آقای وزیر مالیه خصوصاً نهایت همراهی را دارند لهذا اولین پولیکه بوزارت معارف برسد اول بمدارس که دولت متکفل شده تأدیه و بعد آنها را مراقبت خواهد نمود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب از آقای وزیر است سؤال دارند آیا قبلاً مسبوقشان کرده اید؟

آقا سید یعقوب - حالا مسبوقشان میکنم مدتی است که افکار اهالی طهران عموماً راجع به بستخانه متوجه و اعضاء آن اداره کتابچه در این موضوع منتشر کرده اند و از قراریکه شنیده میشود کنترات (نوتیور) تمام شده است و از نقطه نظر سابقه خدمت هم گمان میکنم مطابق آن کتابچه هائی که خواننده ایم قابل هم نباشد که کنترات تجدید شود نمیدانم آقای وزیر است بایشان اخطار کرده اند که کنترات ایشان تمام شده است یاخیر؟

وزیر پست و تلگراف - همینطوریکه آقا اظهار داشته کنترات مسبو نوتیور امروز که هیجدهم اکتبر است منقضی میشود ولی از طرف دولت بناو اخطار شده است که موقتاً مشغول کار خود باشد تا وقتی که کنترات او پیشنهاد بمجلس شود و اما اینکه می فرمائید کتابچه ما چاپ شده است البته باین کتابچه ها و طرفیت باینکه بین نوتیور و اجزاء پست پیدا شده اهمیتی نباید داد و البته جزئیاتش را بکمسیون پست و تلگراف عرض خواهم کرد و کمسیون بمجلس تقدیم خواهد نمود آنوقت بسته بنظر مجلس است هر طور که مجلس تصویب کرد همان قسم رفتار خواهد شد.

آقا سید یعقوب - البته کتابچه همینطور است که فرمودند ولی ما از اهل ایران هستیم و در ایران تحصیل کرده ایم بیست و پنج سال قبل که بنده از شیراز

آمدم قبل از دخول اروپائیها در پست آنجا را مرتب دیدم بعد از آنهم در ایران خیلی مسافرت کرده ام و اگر سابقه بعلوم اروپائی نداشته باشم لیکن با مدرکات و محسوسات خود دو چشم دارم بینم و دو گوش دارم می شنوم خراسان مشرف شده ام گیلان مازندران همه جا را سیر کرده ام لذا مناسبت ندارد عملیات پولتر

رئیس - آقا از حدود سؤال خارج شدند اگر میخواهید استیضاح نمائید امری است هلیجده و الا از موضوع سؤال خارج است

آقا سید یعقوب - خیر استیضاح ندارم **رئیس** - اشخاصی که برای عضویت کمسیون قوانین مالیه تعیین شده اند:

آقای طباطبائی - آقای فهیم الملک - آقای معتضد الدوله - آقای عماد السلطنه طباطبائی - آقای اقبال السلطان - آقای سلطان العلماء - آقای میرزا ابراهیم خان - آقای شیخ محمد جواد - آقای سردار معظم خراسانی - آقای بیان الدوله - آقای عمید الممالک - یک نفر دیگر هم که اکثریت پیدا نکرده باید تعیین شود

وزیر معارف - بنده تقاضا میکنم دستور فرمائید جلسه آتی کمسیون معارف و صحیفه انتخاب شود **رئیس** - جزء دستور گذاشته ایم هیئت رئیسه راجع برائی که درباره مرخصی آقای رفعت الدوله داده است تشکیک که بنده تشکیکی نکرده ام چون اکثریت هیئت رئیسه شك کرده اند که راپورت را بطور رأی داده یعنی قضایا اشتباهاً رأی داده اند باین جهت موافق نظامنامه با ورقه رأی می گیریم مفاد راپورت کمسیون این بود که اجازه نمیدهد بر رفتن آقای رفعت الدوله آقایانیکه رأی میدهند بایستی در زمینه راپورت رأی بدهند یعنی آنها بیکه مواد راپورت کمسیون را تصویب میکنند و بر مرخصی آقای رفعت الدوله رأی نمیدهند ورقه سفید آقایانسی که مفاد راپورت را تصویب نمیکنند یعنی اجازه مرخصی میدهند ورقه کبود خواهند داد

دیس از اخذ آراء آقای سهام السلطان استخراج نمود (برترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)

عده حضار ۶۸ ورقه سفید علامت موافقت با راپورت کمسیون ۱۷ ورقه آبی علامت رد ۲۵ **رئیس** - نه رد شد نه قبول دستور جلسه آتی به روز پنجشنبه دو ساعت بغروب - اولاً بقیه مذاکرات راجع به پروگرام هیئت محترم دولت - ثانیاً شور در قانون تشکیلات کمسیونهای نظارت جمع و خرج - ثالثاً انتخاب کمسیون معارف هشت نفر کمسیون داخله شش نفر کمسیون نظام شش نفر آقایان موافق هستند (مخالفتی نشد)

مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۴۴

صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه بیست و هفتم میزان ۱۳۰۰ مطابق هیجدهم صفر ۱۳۴۰ مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست

آقای مؤمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس سه شنبه بیست و پنجم میزان را آقای تدین قرائت نمودند **رئیس** - نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه (گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد اسامی اعضای کمسیون عدلیه از قراری است که عرض میشود

آقایان : مشیر الدوله . رکن الملک . آقا میرزا ابراهیم قمی . مدرس . نصرت الدوله . حاج شیخ اسدالله . محمد هاشم میرزا . عماد السلطنه خراسانی چون کمسیون قوانین مالیه هنوز راجع به کمسیون های نظارت که جزو دستور بود راپورت نداده است میماند برای جلسه یکشنبه دستور امروز شور در بقیه مواد پروگرام هیئت محترم دولت است مذاکرات در ماده چهارم ختم نشده آقای سلطان العلماء راجع بچه مطلب فرمایش دارید

سلطان العلماء - راجع بماده چهارم **رئیس** - در این ماده دیگران قبلاً اجازه خواسته اند (آقای آقا سید فاضل اجازه)

آقا سید فاضل - چون در مذاکره بنده در جلسه گذشته از قراری که بمد فهمیدم سوء تفاهمی شده بود خواستم توضیح دهم کرفع سوء تفاهم بشود چنین فهمیدم که آقای مدرس هریض بنده را که راجع به تکثیر هایدات برده درست ملتفت نشدند بنده عرض کردم با مالیات املاک جدیدالنسب کمال موافقت را دارم ولی با تحمیل مالیات جدید عموماً بواسطه فقر و فاقه ملت خصوصاً در این سنوات اخیره قبل از تعدیل بودجه و حذف و کسر مخارج لاطائل موافق نیستم و معلوم است که هیئت محترم دولت نیز قبل از حذف مخارج و سایر جهاتی که موجب تعدیل بود چه خواهد شد یا تحمیل مالیات جدید بر رعایا موافقت نخواهند داشت .

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه نطق) **نصرت الدوله** - بنده در این ماده چهارم نظر داشتم هریضی بکنم زیرا از طرف آقایان و اشخاصی که معلومات آنها کاملاً واضح است اظهارات خیلی مفید شده بود بطوریکه در جلسه پریروز تصور میکردم مذاکره در این مسئله بکلی خاتمه خواهد یافت و اگر بنده اجازه خواستم از این نقطه نظر بود که در در آخر جلسه يك اختلاف نظری بین آقایان - دارم معظم خراسانی و شاهزاده وزیر پست و تلگراف در يك مسئله که اصولی تر از خود ماده بود تولید شد و این مطلب محتاج بیک توضیحی بود و گمان میکنم که اگر این مسئله را قبول بفرمایند اختلاف نظر رفع خواهد شد و دیگر در اصول مسائل پیشنهاد شده از طرف دولت دیگر اختلاف نظری نخواهد بود و تذکرات هم خیلی محدود شده و خاتمه خواهد یافت آقای وزیر پست و تلگراف اظهار فرمودند که دفاع دولت در موقعی است که يك مخالفتها یا اختلاف نظر هائی از طرف نمایندگان اظهار شود و همین چنین در باب پروگرام اظهار فرمودند که وقتی دولت پروگرام خود را به مجلس پیشنهاد میکند در جزئیات نباید داخل بحث شد

یک کلباتی را دولت پیشنهاد و مجلس تصویب می کند و بعد در جزئیات و طریقه عمل و رویه های لازم آن لوابیح مخصوصی پیشنهاد می شود بنده فرمایشات ایشان را ملتفت نمی شوم و اگر ملتفت می شدم موافق بودم گمان می کنم بنده درست ملتفت نشدم زیرا بقین دارم تصدیق می فرمایند که دفاع کردن از یک نقطه نظر با توضیح دادن یک اصلی و مساعدت کردن باین نظر موافقی فرق دارد ممکن است در یک اصلی دولت بامجلس یا ناطقین که اظهار عقیده میکنند اختلاف نظری نداشته باشند ولی ناطقین در ضمن آنکه اظهار موافقت با نظریه دولت می کنند مثلاً یک شرطی را بیکدیگر لازم میدانند باین طرف خاصی از مسئله را بیشتر اهمیت دهند در آن موقع البته انتظار خواهند داشت که دولت هم در این مورد از نظریه ایشان موافقت کند آقای رئیس الوزراه در جلسه قبل همینطور رفتار کردند و بنده تعجب کردم که رویه چرا در جلسه پریروز اتخاذ نشده اگر خاطر آقایان مسیوق باشد در موقعیکه از طرف ناطقین محترم راجع به مستشاران و لزوم آن ها برای ادارات مذاکره میشد باقید اینکه همانطور که در پروگرام ذکر شده باید از دول غیرمستشار باشد باوجود این تصریح در پروگرام باز آقای رئیس الوزراه بیاناتی مبنی بر توافق با این نظریه فرمودند باز در وقتیکه نسبت به مستشاران آقای مدرس مذاکره فرمودند و خیلی هم تأکید نمودند و تمام اهل مجلس باهمه فرمایشات ایشان را تصدیق کردند باین مضمون که ما باصل استخدام مستشاران موافقم ولی بااختیاراتی که سابقاً با آنها داده شده بود توافق نظر نداشته و البته باید در این باب از دیگری اتخاذ شود باز هم آقای رئیس الوزراه این مطلب را تصدیق و تأیید نمودند اگر چه درست بقین ندارم ولی گویا اینطور بود و اگر همین ترتیب رویه را پریروز هم اتخاذ میکردند بین آقای وزیر پست و تلگراف و آقای سردار معظم و ناطقین دیگر گمان میکنم اختلاف نظری حاصل نمیشد مثلاً در این ماده چهارم که بقول آقایان ماده - المواد است آقای سردار معظم فرمودند این تقدیم و تأخیر که در مطالب این ماده نوشته شده آیا از روی تمهیدات و اصلاحات مالیه که در نظر ماست اول باید بشود بعد متخصصین جلب بشوند یا خیر این سئوالی است که ولو خیلی واضح بوده و محتاج بسؤال نباشد و بر فرض اینکه تمام آقایان نظریه دولت را بدانند و جلب متخصصین را مقدمه همه این اصلاحات بدانند باز چون در پروگرام رسمی باین ترتیب قید شده ضروری نداشت آقای وزیر پست و تلگراف یا بعضی از آقایان وزرای دیگر نظریه خود را در این موضوع شرح میدادند البته این مسئله دخول در جزئیات نیست یا در موقع دیگر که آقای سردار معظم و آقای مدرس راجع به تکثیر عایدات و تقلیل مخارج مذاکره میفرمودند در آن موقع هم بعضی نکات مهم راجع بمسائل اصلی اظهار میشد نه راجع بجزئیات و چو وقت آقایان از دولت تقاضا میکردند که حدود تکثیر عایدات را در پروگرام دولت بمقداری کم بخواهند اضافه کنند که تقسیم بندی او در مجلس بشود البته همه میدانند که اینها در لوابیح مخصوص نوشته شده و

پس از مطالعات لازم در کمیسیون قبلی این مالیه مطرح شده بعد بمجلس می آید ولی وقتی که اظهار عقیده میکنند که با تکثیر عایدات بصورت اضافه کردن یک مالیاتهای جدید مخالفند یعنی تا وقتی که بودجه مملکت درست معین نشده و وسائل تفریح مالیه معلوم نگردیده و اطمینان از اینکه عایدات دولت بمحل خود صرف میشود حاصل نشده بوضع مالیات جدید عقیده ندارند و همچنین در موقعیکه اظهار موافقت با تعدیل مالیات که خود یک قسم از تکثیر عایدات است میشود البته دولت میتواند عقیده خود را بیان کرده و بگوید تا این مقدمات بعمل نیامده به تکثیر عایدات بطریق دیگر قائل نبوده و وضع مالیات جدید را از برای بعد از تعیین بودجه خواهد گذارد این توضیح هم بعقیده بنده ابتدا دخول در جزئیات مسئله نیست مثلاً باز همینطور نسبت به تهیه بودجه و رویه پیشنهاد کردن آن مذاکره شد البته بنده تصدیق میکنم که تهیه بودجه از وظایف دولت است که بعد نحو و بهر طریق صلاح میدانند بودجه را تهیه کرده و تقدیم مجلس نماید و مجلس هم البته نظریات خود را در موقعیکه بودجه بمجلس می آید بیان خواهد کرد ولی در این موقع راجع بیک ترتیب اصلی نمیتوانم بسکوت قائل شوم آقای وزیر پست و تلگراف نسبت بیک رویه که از طرف آقای سردار معظم اظهار شد اظهار موافقت فرمودند آقای سردار معظم بیک رویه را اظهار نمودند و گفتند این رویه برای این مملکت بهتر از رویه های دیگر است مخصوصاً خوب خاطر می آید که ایشان قبلاً فرمودند برای این مملکت و با ترتیبات فعلی این مملکت و در اینصورت با نظریه آقای وزیر پست و تلگراف نمیکند خوب موافقت کرد توضیحاً عرض میکنم آقایانی که بخوانند روزنامه های اروپا یا کتب که در باب بودجه نوشته شده مامست دارند بخوبی میدانند که برای تهیه و ترتیب بودجه از مسائل دیگر مالیکه تشکیلاتشان اداراتشان از هر قسم از مملکت مامست و منظم تر است خرج و جمع را باهم معادله می نمایند اگر خرج بیش از جمع است یک مجلسی برای آن پیدا میکنند این مطلب از نقطه نظر اصولی هم شاید مورد تردید نباشد ولی اگر گفته شود ما بواسطه تجربیاتی که کرده ایم بواسطه وضعیات ناگوار فقر و پریشانی مملکت خصوصاً وضعیات سوئی که تا بحال در مسائل مالیه این مملکت جریان داشته اگر امروز بیک رویه دیگری ولو چندان اصولی نباشد اتخاذ کنیم برای ما عملی تر است لازم نیست باین درجه مورد تنقید واقع شویم ما معتقد نیستیم هر چه اروپائی ها کرده اند ما عیناً بکنیم اگر چه خود بنده قائل هستم در چیزهایی که ما مجرب نیستیم باید امروز از آنها اتخاذ کنیم ولی نباید تقلید را بدرجه اقصی افراق رساند که چون آنها اینکار را کرده اند محتما باید ما هم تقلید کنیم بنده لزومی برای اینکار نمی بینم اگر درست بعروض بنده دقت بفرمائید خواهید دید که امروز این طریقه بصره نزدیکتر است که اول به بینند جمع مملکت چه چیز است یعنی آن اندازه از مبالغ مالیه که تقریباً قابل الوصول است پس آنکه بطور قطع نتوانیم یقین کنیم به بینیم چه مقدار است حرفهای مهمی را که

داریم همانطور که شاهزاده وزیر پست و تلگراف فرمودند باید ارباب جلو گذاشت مثل مصارف قشونی که از همه مخارج اهمیتش بیشتر بوده و بر همه چیز مقدم است بعد مخارج دیگر را ولو بآن درجه از اهمیت نباشد یعنی در درجه دوم سوم واقع است معین نمایند و از آن مبلغ کسر کنند بعد باقی آن را برای کلبه مخارج دیگر بهتر ترتیبی که صلاح میدانند تخصیص دهند این یک طرز تربیت اداره کردن بوده است که شاید مخالف اصول باشد ولی خیلی ساده و باصلاح مثل بودجه کان تصایب می باشد اگر یک کسی اینطور اظهار عقیده کرده و میگردد باین ترتیب برای امروزه مملکت زود میسر شده و مفید تر است چه عیبی دارد نباید محتماً بگوئیم چون اروپائی ها آنطور کرده اند ما هم باید بکنیم همانطور که عرض کردم البته تهیه بودجه و پیشنیاد کردن امور بوط بدولت است دولت هر طور صلاح میدانند پیشنهاد میکند و میفرستد منتها آرزوی ما این است که زودترین بودجه حاضر کرده و بفرستد من خودم در کمیسیون بودجه هستم و چندین روز است جلسه نداریم و منتها چیزی را که از دولت میخواهم این است که بهر ترتیبی که صلاح میدانند زودتر بودجه را بفرستد که اگر نظریاتی داشته باشیم در کمیسیون و مجلس اظهار کنیم و اگر بنده وقت آقایان را باین قضیه تضحیح کردم رای این بود که تکذیب کردن بیک رویه هائی بمجرد اینکه با رویه های معموله ممالک دیگر تطبیق نمیکند خوب نیست (گفته شد صحیح است) و باید دید صلاح مملکت امروز کدام است بیشتر از این نمی خواهم وقت آقایان را صرف هرایش خود کنم و گمان میکنم هیچگونه اختلاف اساسی بین مجلس و هیئت دولت از این قسمت ماده چهارم نباشد بنده هر چه ملاحظه کردم غیر از این قبیل اختلافات جزئی که محتاج بتوضیحات است چیز دیگری ندیدم باین جهت انتظار نداشتم شاهزاده مشهاب الدوله جواب دادن را بکلی غلط دانسته و مباحثه در این قسمت ها را بد بدانند خیر یک توضیحاتی است در یک رویه و اسلوب و طریقه متقن علیه و اگر دولت این رویه را اتخاذ کرده و قضیه تمام شود بهتر از این است که وقت خود و مجلس و هیئت دولت را صرف این مذاکرات کنم

وزیر پست و تلگراف - بنده هم گمان می -

کنم همانطور که حضرت والا فرمودند اختلاف نظری در اساس مسئله نباشد ولی یکی دو مسئله که جزو این ترتیب و اصول اظهار میشد در روز گذشته اگر دولت میخواست آنها را بطور اصول قبول کند فرض میکرد در آتیه دچار معظوظات بشود همین جهت بود که بنده در این باب اظهاراتی نکردم و آن همان مسئله بودجه است که حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله دفاع میکنند که شاید برای مملکت بهتر باشد گمان میکنم همان دلایلی که اظهار کردند برای مملکت ما لازم تر است اصولی را که امروز در همه جا معمول است اتخاذ نمایم چون خودشان فرمودند در ممالک دیگر قوای منظم ادارات و ترتیب منظم دارند همین دلیل بنده عرض میکنم مخارج فوق العاده این مملکت را کدر آنجاها هیچکس خواب نمی بینند دارند آنها شاید بتوانند عایدات خودشان را قبل از وقت بسنجند آنوقت مخارج را قبل از وقت بتحقیق

پیش بینی مینمایند در صورتیکه در مملکت ما نمایندگان که از ولایات آمده اند بخوبی میدانند و تصدیق میفرمایند که پیش بینی یک مخارج ضروری مملکت قبل از وقت امکان ندارد در مملکتی که هر روز می بینیم حوادث و اتفاقات جدیدی واقع میشود و شاید احتیاج بقوای جدیدی باشد و در مواقع مختلف یک عده مستشار لازم باشد که هر نفری ۵-۶ هزارانی ده هزار تومان خرج دارد و بعلاوه یک چیزهایی که اصلاً نمیشود پیش بینی کرد و احتیاجات مملکت آنها را ایجاد میکند بهمین دلایل باید ضروریات مملکت را از قبیل حفظ انتظام و حیثیات مملکت در نظر داشت و البته آن مخارج بنظر خصوصاً خواهد رسید که از اوضاع مملکت مسیوق باشند بنظر اشخاص بی اطلاع نخواهد رسید آنوقت شما که کلابی ملت هستید ملاحظه خواهید کرد مخارجی را که دولت ذکر میکند مخارج ضروری است هیچکدام را نمی شود صرف نظر کرد یا از نقطه نظر سیاست مملکت است یا از نقطه نظر مقتضیات داخلی است و پس از آنکه تصدیق کردید اینها مخارج ضروری است آنوقت شاید عایدات هم کفایت کند امیدواریم کفایت کند و یک چیزی زیاد بیاید و در خزانه دولت بگذاریم ولی اگر خدای نخواست تگافونکرد و احتیاجات یک چیزهایی ایجاد کرد می - بایستی از یک محللهائی تکثیر کنیم اینها را آقایان اشتباه نکنند می شوم بعضی اظهار میکنند که تکثیر عایدات تجمیل مالیات است بر توده ملت بیچاره خیر اینطور نیست تکثیر عایدات راهبست دولت در مقدمه پروگرام تشریح کرده تکثیر عایدات ممکن است از راه وصول بقایا باشد و یا اگر مالیاتهای هم دولت وضع کند ممکن است نسبت باشخاص صاحب ثروت باشد که بقراء توجه نکنند همه اینها در پروگرام مندرج است و دولت این قاعده را نمیتواند قبول کند و بگوید ما اینقدر پول داریم و مقابل این پول باید مخارجی تعیین کنیم من متکراین مسئله هستم هیچ دولتی هم اینطور نکرده و تصور میکنم آقای نصرت الدوله و سردار معظم هم چون خودشان داخل در امور دولت بوده اند کاملاً از وضعیات اطلاع دارند در حال اگر بنده در جلسه گذشته اظهار کرده ام راجع باین اصول بوده یکی هم توضیح با مذاکره در جزئیات بوده بنده تصدیق میکنم که اگر توضیحی خواسته شود حق دولت است که نمایندگی را که توضیح می خواهد قانع کند در مذاکرات گذشته سه فقره توضیح لازم بود که دو فقره آنها داده شده و یکی دیگر را بنده در نظر داشتم عرض کنم فراموشم شد و آن مسئله تقسیم تأخیر در مسائل ماده چهارم بوده دولت نظری به تقدیم و تأخیر اهمیت و عدم اهمیت این مسائل نداشته اینها چند مسئله است که در حقیقت برای اصلاح مالیه مملکت لازم است و تصور میکنم بعضی از آنها هم مابعداً جمع است در همان موقعی که دولت مشغول مذاکرات است که مستخدمین خارجه را برای استخدام بیارند در همان موقع هم مواد دیگر را بتوان اجرا کند و ما تعالیم نیست بطوری که یکی از آنها معطل بماند تا دیگری تمام شود خیر اینطور نبوده و این توضیح را که عرض کردم برای این بود که بدانید دولت در جماعات این ماده نظر تقدم تأخیری نداشته یکی هم مسئله تقلیل و حذف مخارج و تکثیر عایدات بود که آقای مدرس در ضمن بیاناتشان راجع

بان مذاکره فرمودند در مقدمه پروگرام نوشته شده تقلیل مخارج زائده یعنی آن چیزی را که تضایق کنند و تصدیق بشود مخارج زائده است دولت آنها را حذف میکند تکثیر عایدات هم همانطوری که آقای مدرس بیان فرمودند در صورتی که عایدات امروزه کفایت احتیاجات ضروری مملکت را نکند آنوقت تکثیر عایدات باقرض است یا بترتیب دیگر شاید عقیده اکثریت این باشد که استقراض پس است پس بهتر است که عایدات خودمان را از یک محللهائی که تحصیل بر فقر و بیچارگان نشود زیاد کنیم این بود آنچه بنده از نظریات آقای مدرس فهمیدم یکی هم چنانچه عرض کردم راجع بتقدم و تأخیر بود و دیگر مسئله بودجه بود که اصولی است شاید یک اشخاص با نظر شاهزاده نصرت الدوله موافق باشند و اشخاص دیگری بانظر دولت تصور می کنم اگر بنا شود در این مجلس در این موضوع مباحثه شود مباحثات خیلی بطول انجامد و دولت با داشتن کارهای فوق العاده مدتی از وقت خود را در اینجا صرف کند در این مسئله اگر بخواهیم اصولاً حرف بزیم ممکن است در خارج مذاکره نمود بعد از آنکه دلایل طرفین حاضر شد بمجلس بیارند تا معلوم شود این اصل را قبول می کنند یا اصل دیگر را

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه نطق)
آقاسید یعقوب - اولاً میخواستم عرض کنم خوب است آقای شهاب الدوله تجمیل نفرمایند که پروگرام از مجلس زودتر بگذرد زیرا امیدوارم همانطور که آقای مدرس توجه کردند این کابینه کابینه باشد که تا دو سال دوام کند پس وقتی چنین امیدواری پیدا شد هر چه در پروگرام صحبت کنیم عیب ندارد و اگر دو روز هم عقب بیفتد ضروری نخواهد داشت و شاید آنوقت بایک امیدواری کاملتری مشغول عملیات شویم

ثانیاً - این مقدمه را که عرض می کنم بواسطه عقیده است که بمجلس شورای ملی دارم و همانطور که آقای مدرس فرمودند مجلس شورای ملی مشروعه است در واقع مشروعه او بیان می کند که دیانت اسلام هیچوقت مانع از تمدن نبوده و همیشه با تربیت و تمدن همراه بوده است چنانکه همه ملت ایران می دانند که پیشقدم آزادی و مشروطیت علماء و روحانیون بودند و آنها مؤسس اینکار بودند پس هر چیزی که از مجلس شورای ملی می گذرد و مخالفت با شرع نداشته باشد حکم شرع است و لازم الاتباع مسئله دیگری که می خواهم عرض کنم این است که نمایندگان ملت و در اینجا برای تحصیل سعادت ملت نشسته اند برای اینکه ملت ایران را دارای یک سعادت و نیک بختی کنند نظر باینکه باید سعادت مملکت را اینجا پیش بینی کنند این عقیده برای من حاصل شده است که لقد اجادولما افاده بقدریکه باید بیانات کافی بکنند کردند لکن در مسئله مخارج اساساً ما همه عائله یک خانه هستیم باید فکر مخارج خانه را بکنیم و به بینیم این مخارج زیادی که برای ما پیدا شده است از چه راه باید عایدی او پیدا شود هیچ نظر بدولت ندارم که دولت دارای یک دوازه زیادی است البته

زوائد را هر طور آقای وزیر مالیه مساعدت بدانند حذف خواهند کرد بنده می توانم عرض کنم که ماورین یا اگر خدای نخواست به ما موریت شود عمل نکردند یا اینکه بکنند بنامه بودجه خود عمل کند برای اینست که ما آن روش خود را فراموش کرده و روش تازه پیدا کردیم ما باید فکر کنیم که ملت ایران مخارجش حکم شود تا مستخدمین هم مخارجشان کم شود یعنی برای این کار باید در مجلس شورای ملی یک قانون وضع شود البته ملت ایران باین مخارج زیاد ناچار است دستش را دراز کند یا خدای نخواست بدزدی یا یک اموراتی که نقص عالم بشریت است اقدام کند باید مسئله تجملات را که ما آمده ایم برخوردمان بستمایم و ابتدا در معیشت و زندگی مداخلت ندارد ترك کرد ملت ایران ملت فرانسه و انگلیس نیست آنها متمول هستند ملت ایران از هر جهت فقیر است فقیر علمی هست فقیر مالی هست فقیر رجالی هست از هر جهت که ملاحظه کنید فقر سراپای ما را گرفته است حالا می خواهیم بشاهراه سعادت بیفتیم و رفع این احتیاجات را بکنیم ما نمیتوانیم بولت فشار بیاریم که به مستخدم کم بدهد یا زیاد بده فلان صاحب منصب که پنجاه تومان موجب دارد و وقتیکه می خواهد با چکمه برقی حرکت کند معلوم است چکمه برقی که بیست و پنج تومان است پولش را از کجا باید بیارند ما نمیتوانیم باین مخارج زندگی کنیم برای ملت و نمایندگان بر این است که ما در طریق اقتصاد باید داخل شویم اگر رجوع شود با حدیثیه گمرکات بر همه کس معلوم می شود که اسامیل چند سراسر مایه ما رفته است در مقابل آن در ممالک ما چه آمده است تقریباً بیست کرور ایشیائی آمده است که ابتدا مداخلت در زندگی ندارند پنجاه کرور قند آمده است بیست و پنج کرور فلان چیز آمده است این چیزهایی است که من شنیده ام و نقل قول می کنم این اشیاء در اصول زندگی ما هیچ دخیل نیستند مجلس شورای ملی و هیئت دولت باید در این مقام باشند که مخارج را از روی اشیاء زائده تقلیل کنند هر قانونی که از مجلس می گذرد و دولت آنرا تعقیب کند به وقوع اجرا گذاشته می شود چنانکه در ممالک دنیا قوانینی را که برای سعادت آن مملکت وضع می کنند به وقوع اجرا می گذارند مجلس شورای ملی برای دو چیز است که عبارت است از تهذیب اخلاق و سیاست مدن و تدبیر منزل تهذیب اخلاق حکم روحانی است و ربطی بمجلس ندارد اما سیاست مدن و تدبیر منزل راجع بمجلس شورای ملی است باید مجلس شورای ملی در معیشت و ارزاق و لوازم زندگی مردم فکری کند بنده یک قانونی بنظر من رسیده که بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنم خواستم آقایان را باین مطلب متوجه کنم که اول دولت خودش یک قدری مخارج را تقلیل می کند یعنی هر وزیر لازم نیست چهار پنج اتومبیل داشته باشد مردم هم قهرماً از آنها تبعیت می کنند و دیگر محتاج بدزدی نمیشوند و قهر آخر ج زائده بین میروانند مسئله است که بنده دولت را بآن توجه می دهم که اول قدم را در تقلیل مخارج راجع بخود و اجزاء خود بردارد اما در مسئله که آقای

شهاب الدوله در باب تکثیر عایدات فرمودند که مالیات بر سرمایه دارها تحصیل می شود تصدیق خواهند فرمود که سرمایه دارها در مملکت ما همان ملاکین هستند بعضی اینکه مالیات وضع شد باز بارش بردوش فقرا و رعیت تحصیل می شود خوب است از این مسئله صرف نظر کنند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده تصمصیم داشتم در این پروگرام فقط راجع به ماده شش در خصوص قوه قضائیه چون اطلاعاتی داشتم عرض کنم و راجع ب سایر مواد این پروگرام عقیده ام این بود که آقایان نمایندگان که متخصص در هر يك از این مواد هستند نظریات خودشان را اظهار کنند ولی در این دو سه روز در تحت این ماده صحبت های خیلی مفصلی شد که يك قسمت عمده آن هیچ مربوط باین ماده نبود اگر چه تمام فرمایشات آقایان صحیح و منطقی و فلسفی بود و بعضی از فقرات هم لازم بود مثل اطلاعاتی که آقای فیهام الملک فرمودند ولیکن نسبت باین پروگرام این اظهاراتی که شد بنده تصور می کنم لازم نبود چون صحبت توسعه پیدا کرد و بنده آن وسیع شد بنده با اینکه متخصص در این امر نیستم بخودم حق دادم که نظریات خود را عرض کنم حالا مرآجه کنیم باین ماده و تذکراتی که شده است يك اختلاف نظری بین آقای سردار معظم و حضرت والا شاهزاده شهاب الدوله وزیر است و تلگراف بود بنده تصور میکنم که آنقدرها اختلاف بزرگ نیست زیرا در مملکت يك مغارجی است حتی و ضروری حتماً باید پیش بینی شود و برای این مغارج ضروری دولت بهر وسیله شده است باید تهیه عایدات کند امام مغارجی که ضروری نیست مثل توسعه ادارات این مملکت اینها مغارج لازم نیست و دولت باید آنها را حذف کند گمان می کنم فرمایشات آقای سردار معظم هم همین بوده است و بنده هم با ایشان موافق هستم فرمایشات آقای وزیر است و تلگراف راجع باین بود که دولت باید عایدات برای مغارج حتمیه خود به هر طریق که هست تهیه کند اما راجع بیک قسمت دیگر که راجع می شود به تقلیل مغارج و حذف ادارات بعقیده بنده مربوط باین ماده می شود وقتی که بود چه به مجلس آمد و رجوع به کمیسیون بود چه شد اگر مجلس تصویب کرد که حقوق باید کسر شود کسری می شود و اگر تصویب شد که ادارات زیادی باید حذف شود قلم برایش کشیده میشود این همه مذاکرات در این باب لازم نیست این است که بنده و وارد می شوم در این ماده و نسبت به موافقتی که نوشته شده است به بنیم کدام يك محل گفتگو است حذف و تقلیل مغارج تصور نمیکنم هیچ يك از آقایان نمایندگان مخالف با این فقره باشند که دولت باید مغارج را کسر کند زیرا چیزی که ما را مجبور کرده است دست خودمان را پیش خارجی هاداز کنیم همین مغارج فوق العاده است دنیا برخلاف نظر دولت و نمایندگان نیست و همه آقایان هم موافقت که مغارج زیادی باید کسر شود ولی طریقه مجلس را در موقعی که بود به مجلس می آید آنوقت باید مذاکره کنند و آنرا حل نمایند اما تکثیر عایدات یعنی چه در مقدمه این پروگرام شرحی راجع به تکثیر عایدات نوشته شده است تکثیر عایدات هم ممکن است چند طریق باشد

یکی اینکه منابع ثروت را بکار ببندازند و از آنها استفاده کنند مقصود دولت هم این قسم تکثیر عایدات است و هیچك از آقایان نمایندگان هم با این نظریه گمان نمیکنم مخالف باشند زیرا این نظری است که هر کس باید آنرا تعقیب کند و این گنجهها را که خداوند باین ملت عطا فرموده است از آنها استفاده کنند لکن اگر مقصود دولت از این فقره این باشد که وضع مالیات های جدیدی اضافه بر آن مالیات هایی که امروز بر این ملت تحصیل شده بنمایند این مسئله را آقایان نمایندگان با تاقاق یا با اکثریت مخالفند و تصور نمیکنم دولت هم در نظر گرفته باشد يك تعمیم جدیدی بملت بنماید زیرا در ضمن مذاکراتی که شد هیچ این نظریه مذاکره نشده است که راجع به تکثیر عایدات اما تعادل جمع و خرج آنهم قابل مذاکره نیست زیرا منتها آرزوی نمایندگان ملت این است که در این دوره اگر مجلس موفق شود و با مساعدت دولت جمع و خرج مملکت تعدیل و موازنه پیدا کند که جمع و خرج معادل شود همین يك فقره را اگر دولت بردارد پس است برای اینکه خدمت باین مملکت کرده باشد تمام هم ما باید مصروف این فقره باشد که بودجه تعدیل شود و جمع و خرج موازنه پیدا کند و دولت هم در نظر گرفته است که انشاء الله این نظریه را انجام دهد بنده این نظریه را تقدیس میکنم و امیدوارم که مجلس با موافقت و مساعدت هیئت دولت موفق با اصلاح این فقره شود و یکی مسئله وصول بقایا است کدام يك از آقایان مخالفند؟ همه موافقتد یکی اصلاح ادارات مالیه است نه تنها اصلاح مالیه لازم است بلکه تمام ادارات باید اصلاح شود اختصاص دادن بسالیه را بنده نمیدانم دولت از روی چه نقطه نظر اتخاذ کرده اصلاح ادارات عدلیه منتها درجه لازم است همچنین اصلاح سایر ادارات چه داخله چه خارجه مخصوصاً بعضی اصلاح وزارت خارجه را بیشتر اهمیت میدهند تصور میکنم در اینجا دولت يك قدری جلو قلمش را گرفته باشد خوب بود نوشته باشد راجع باصلاح ادارات بالخصوص مالیه حالا بسته بنظر آقایان و وزارت است که کدام يك در ادارات خودشان فعال تر باشند به بنیم کدام يك زودتر موفق باین اصلاح خواهند شد اما جلب متخصصین از خارجه اگر مقصود دولت استفاده نمودن از علم آنها باشد خیلی خوب است اما اگر آنها بخواهند از مملکت ما استفاده بنمایند و معلومات خودشان را برای خود نگاهدارند خوب نیست نظرم دست که در دوره سابق کثرتی به مجلس آمد راجع به پستخانه و موسیو مولیتر در موقعی که کثرتت او از مجلس گذشت مجلس بوزیر وقت پیشنهاد کرد که باید در ظرف دو سه نفر تربیت کند که پس از انقضای این مدت دولت دیگر محتاج به مستشار نباشد متأسفانه تقریباً هفده سال است که مولیتر در اداره است مملکت ما است کثرتت او از ماهی دوست و سیصد تومان به هفتصد تومان رسیده و شاید سالی ده دوازده هزار تومان برای دولت خرج دارد حالا میخواهد برود و بعد از هفده سال میگوید هیچکس در اداره است نیست که بتواند آنرا اداره

باید فهمید خان بلوک پنجاه هزار تومان سند میدهد اگر آنرا هم تأدیبه کند خیلی مورد تعین واقع میشود و چه لوین پنجاه هزار تومان آنرا معلوم نیست کی میخورد در مقابل این پنجاه هزار یا سی هزار یا بیست هزار تومان ها که رنجبرهای بیچاره میدهند یکمده زیادی هستند از قبیل ملا آخوند سید درویش روضه خوان خان زاده که هیچ نمیدهند یکمده دیگر هم هستند که بواسطه اینکه تفنگ دارند پول نمیدهند و نتیجه این میشود که مردم عادت سر کشی میکنند و هر کس ده نفر تفنگچی دور خود جمع میکنند و از مال دولت و مردم استفاده می کنند ملوک الطوائفی ترویج میشود البته چه ضرر دارد دست از زراعت و کار میکشند و باین ترتیب دارای علاقه وده وغیره میشوند و بنای سر کشی میکنند از طرف توجه هم واقع میشوند عقیده بنده این است که اولاً دولت باید اقتدار خودش را در تمام مملکت اتساع دهد و ثانیاً ممیزی عمومی در مالیات بشود که در يك ده دوازده قسم مالیات از دوازده صنف مردم گرفته نشود در عرض يك جماعتی باشند که هیچ مالیات ندهند بنده تا این اندازه که اطلاع دارم گمان میکنم اگر دولت بتواند همین قسمت مالیاتی را که رنجبرها میدهند وصول کند عایدی دولت پنج برابر خواهد شد و در اینصورت محتاج بیک تعمیم جدیدی نیست بنده عقیده ام این است که دولت باید قدرت خود را در تمام مملکت آشکار نماید

رئیس - آقای نسر الدوله (اجازه نطق)
نصرت الدوله بنده از نوبت خودم صرف نظر کرده و با آقای مشیر الدوله واگذار میکنم

مشیر الدوله - بک قسم از مطالب بنده را آقای حاج شیخ اسدالله بیان فرمودند دیگر بنده تکرار نمیکنم و بطور اختصار عرض می کنم البته بر اطراف این ماده که گفته شده ماده المواد است مذاکرات لازم است ولی بعقیده بنده این مذاکرات دازه از اندازه خود خارج می شود خصوصاً که بنده هیچ اختلافی مابین نظریات آقایان نمایندگان و هیئت دولت نمی بینم مثلاً در این ماده چند مطلب است اول تقلیل مغارج در باب تقلیل مغارج آقای سردار معظم فرمودند که اگر فرضاً بخواهند حقوق اجزای ادارات را نصف کنند مخالف خواهند بود البته اگر دولت چنین خیالی داشت پیشنهاد می کرد دولت که چنین پیشنهادی نکرده است و اینکه گفته می شود بعضی از ادارات زائد است و باید حذف کنیم دولت هم نگفته است ادارات زائد را حذف نمیکنم ولی باید اشخاص بیکار را بکارهای دیگر بکارند ممکن است برای بعضی از آقایان اشتباه حاصل شود و تصور کنند کار هایی که بنده عرض می کنم خیلی طول دارد و ذهن آقایان با ایجاد راه آهن و غیره متوجه شود در حالتی که اینطور نیست الان ممکن است در مملکت يك ادارات زیادی باشد ولی يك ادارات دیگر هم لازم است که موجود نیست مثلاً در سایر بلاد لازم است بلدیها تشکیل شود و همچنین اداره ارزاق است که فقط در طهران تشکیل شده و در شهرهای دیگر تشکیل نشده است و يك اداره مهمی است و ممکن است اجزاء زیادی يك اداره را منتقل و باین قبیل ادارات نقل کنند پس اساساً ما بین نظر مجلس و هیئت معترم دولت هیچ مخالفتی نیست در

باب تکثیر عایدات گفته شد بنایستی مالیات های جدید تحصیل شود اول باید مجری را پاك کرد و سوراخها را گرفت بنده هر چه دقت کردم ندیدم هیئت دولت بگوید ما معتقد بپاك کردن مجرا نیستیم آیا قبل از آنکه این مسئله انجام داده شود اگر يك مغارجی پیش بیاید که ضروری و فوری باشد آنوقت چه می فرمائید باید منتظر شد که نتیجه از پاك کردن مجری بدست بیاید تصور کنید يك نفر مالک ملکی دارد و آب قناتش بواسطه بی مالیاتی کم شده است محصول هم باید آب بخورد آیا می شود بپاك گفت شما محصولتان را آب ندهید تا قنات آب بدهد غیر زیرا زراعت از دست می رود پس برای اینکه محصولش از بین نرود باید آب بخرد تا قنات را اصلاح کند در این موضوع هم که مخالفتی از طرف دولت ندیدم (گفته شد - صحیح است) بنده تصور می کنم در مجلس يك نماینده نباشد که در موقعی که يك مغارج ضروری برای دولت پیش میاید و دولت پیشنهاد کند بگوید مجری را پاك نکرده ایم ما این مغارج را تصویب نمیکنیم وقتی مغارج ضروری پیدا شد البته باید داد پس در این خصوص هم مابین نظریه دولت و مجلس مخالفتی نیست فقط يك میانیتی فی مابین هست که لازم میدانم عقیده خود را عرض کنم در باب تعدیل بودجه گفته میشود در فرنگستان اول مغارج را معین میکنند بعد عایدات را ولی ما باید اول عایدات را معین کنیم بعد معادل آن خرج کنیم بنده تصور میکنم در اینجا حق با دولت است زیرا مملکت يك تجارخانه نیست که اول عایدات خودش را معین کند باید مغارج ضروری دولت بدو معین شود بعد معادل آن عایدات معین کنند معلوم است تعادل جمع و خرج از چند راه حاصل میشود یکی جلوگیری از فریض است دیگری اصلاح مالیه است یکی از زیاد مالیات است و علی ای حال عایدات با مغارج باید معادل کند ما برای اینکه عایدات نداریم نمی توانیم از مغارج ضروری مملکت صرف نظر کنیم اعالی مملکت باید بدانند که اگر بخواهند سری نوی سرها داخل کنند چنانچه داخل کرده اند باید مغارج خودشان را بهر ترتیبی هست بدهند اما در باب جلب متخصصین از دول غیر همجوار آقای مدرس فرمودند این ماده ماده المواد بر گرام است بنده میگویم این جزء از این ماده اصل الاصول این ماده است آقایان نمایندگان نباید تصور کنند که مابک تقصی برای خودمان قائل میشویم که میگویم این اصل الاصول است زیرا در تعلیم و تحصیل هیچ وقت ذلت یا تبعیضی نبوده است و این مسئله منحصر ب ما نیست چنانکه می بینیم مللی که ملل متمدنه نامیده میشوند این راه را رفته اند و امروز هم همان راه را میروند و هر گاه یکی از ملل در يك شعبه از صنایع از سایر ملل پیش بیفتد سایر ملل مالک شاگرد برای تحصیل و تعلیم بآنجا فرستند و از آنها اقتباس میکنند پس تقصی برای ما نیست و باید زودتر مستشاران و معلمین جلب شوند و دولت از آنها استفاده نماید و بنده تمام اصولی را که در این پروگرام نوشته شده قابل اجرا میدانم لکن شرط اولش این است که هر چه زودتر متخصصین و مستشار ها استخدام شوند

می خواهم از مالیات فقیر و از دست رنج رعیت بیچاره ماهی شش تا دوازده هزار تومان بهر یک از آنها مواجب بدهم آنوقت کاری نکرده بماند از سه سال بروند البته باید باندازه کارشان بآنها اختیار داد و اگر اختیار ندهیم صراحتاً عرض می کنم مال این ملت را دور ریخته اند بنا بر این تصور می کنم هیچ مخالفتی مابین عقیده آقایان وزراء و مجلس شورایی اساساً نیست (گفته شد صحیح است) فقط در یک مسئله بود که آنرا هم عرض کردم راجع به ترتیب عایدات و مخارج بود و البته در آن خصوص هم حق با دولت است باید اول مخارج را معین کرد و بعد مخارج تحصیل پول کرد از مراد که بماند چه از وصول بقایای مالی و چه از معالجات دیگر و راجع بطلب متحصصین باز عرض می کنم که باید حتماً بقدرت آنها را استخدام کرده بملکت آورد آنوقت بنده امیدوار می شوم که تمام مواد پروگرام اجرا خواهد شد (گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه) (گفته شد مذاکرات کافی است)

مدرس - اختلاف نظری پیدا شده اجازه خواستم

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی می دانند

(جمع گفتند کافی است)

رئیس - رأی می گیریم آقایانی که مذاکرات را در دبره چهارم کافی می دانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - آقایان مذاکرات را در این باب کافی دانستند مذاکره در دبره پنجم است آقایان امین الشریعه (اجازه نطق)

امین الشریعه - ماده پنجم راجع بتوسعه معارف است این ماده هم کمال اهمیت را دارد و یکی از مواد خیلی مهم است که دوش بدوش ماده مالی مملکت راه می رود و اثراتش خیلی بزرگ است توسعه معارف یکی از مواد خیلی مهم است چرا بواسطه اینکه اساس ترقی و تکامل بشریت در توسعه علم و معارف است هر ملتی بهر درجه از ترقی که احوال شده چه در تمدن و چه در سیاسیات و چه در اقتصادیات تمام در سایه علوم و معارف بوده است باضافه از ترقیات ملکی در آثار طبیعی هم که مجرب العقول است ترقی میدهند و آدمی را به جو هوا و قعر دریا سیر میدهند کنوز لایتنای عالم طبیعت را بدست قدرت الهی در زیر خاک برای آدمی بخیره نهاده کشف و استخراج می کند این ماده خیلی مهم است و هر چه هست در این ماده است ترقی عالم انسانیت و تهذیب اخلاق بشریت سته بتوسعه علوم و معارف است پس بقدری که در امور مالی اهمیت داده شده در علم بیشتر باید اهمیت داده شود چنانچه در کلیات هم نظر خود را عرض کردم که موجب ترقی و تکامل مملکت توسعه علم و ایجاد ثروت است بلکه در نظر عقلائی اول پایه علم است ثروت و مال هم از توسعه علوم تحصیل می شود حالا چون بنده معتقدم که آقای وزیر معارف خودشان اهل فن و متخصص در این فن میباشند امیدوارم که یک آثار حسنه از ایشان بیادگار بماند لذا

خاطر آقایان را بالخصوص جلب مینمایم حالا کاین مسئله در فهرست عملیات دولت نوشته شد که باصلاح مرام نبوده بلکه علمی باشد سؤال می کنم نباید فهمید توسعه معارف یعنی چه فرض چیست توسعه معارف یک عبارت تاریخی است خیلی کشدار باصلاح معروف از یاد چند باب مدرسه هم بر مدارس حالی توسعه معارف گفته می شود آیا به بینم اینقدر کافی است بنده ناچارم در اینجا علوم و معارف را تقسیم کنم معارف و علوم باعتبار تعلقش با مورد یعنی و دنیوی بدو قسمت می شود یک سلسله معارف و علوم راجع است با امور دینی و مذهبی این سلسله قدر جامع بین تمام متمدنین عالم است کلاتاً برسد بدین ماکه اتم ادیان است (ان الدین عند الله الاسلام) پس اهم معارف و علوم راجع به امور دین و مذهب که جامعه بیشتر محتاج به او است پس عمومیت در این قسمت از علم و معرفت مقدم بر سایر علوم بوده و جای شبهه هم نیست در اینصورت خاطر محترم آقای وزیر معارف را اساساً متوجه کرده و امیدوارم یک قسمت عمده از احتمالات خود را صرف ترویج علوم دینی فرمایند در بیانات من دو نظر اساسی است که باید عرض کنم نظر اول این است که در مدارس که تشکیل یافته جزء پروگرام تدریس و تعلیم در مدارس بسک قسمت بیشتری از وظایف آنها را تأدیبات آداب شریعتی و تعلیم علوم دینی مقرر شود بقدری که برای اطفال ما کافی باشد و غرض از آداب شریعتی را هم عرض میکنم نه این است که سطح مسائل بآنها آموخته بشود بلکه فلسفه آنها هم باید بدانند بنده عقیده ام این است که اگر مسائل و رموز سیاست احکام اسلام و حقوق مدنی و مذهب را بقدر مشعر آنها حالی آنها بکنیم در نتیجه آن اشخاص قابل می شوند و مورد اشتباه و التباس واقع نمی شوند چنانچه بنده معتقدم که مثلا کتابچه جهان زنان که بیرون می آید و اسباب اشتباه شده یک جهت عمدتاً این است که در این قسمت از توسعه معارف صرف تربیت نسوان نشده اول شرط تعلیم آداب اسلامی تربیت نسوان است اگر آنها آموخته بودند و بآنها فهانده بودند حقوقی را که خداوند از برای زن معین کرده چقدر است و حدود بین زوج و زوجه را خداوند چقدر معین کرده است هر آینه این چیزها را نمی نوشتند این مطالب از روی ناهمی و اشتباه است حقوق زوج و زوجه را خداوند متعال بطور تساوی معین کرده حق زوج بر زوجه فقط حق تمتع و نگاهداری ناموس اوست زن می تواند وقتی که بجهت تولد شدن پستان بدهان آن طفل نکند ولی باید همه اینها را بیاموزد و گول نخورد این را به موجب مثل عرض کردم و بر روی این فلسفه وزارت معارف باید یک توجه عمده مبذول دارد چون امروز روزی است که باید حقایق را بقدری که حکمای اسلامی کشف کرده اند بقدر وظایف متعلم بآنها حالی کرد که از کوچککی متغلق باخلاق شریعتی شوند دوم توجه وزارت معارف است بمدارس قدیمه

رئیس - این ماده هم معلوم می شود باالامواد است بعضی آقایان هم که بیرون تشریف برده اند چند دقیقه نفس داده می شود ولی خوب است وقتی بیرون

تشریف میبرند هشت نفر برای عضویت کمیسیون معارف و شش نفر برای کمیسیون نظام انتخاب نمایند جمعی از آقایان هم برای دو کمیسیون انتخاب شده اند و چون بموجب نظامنامه در دو کمیسیون بیشتر نمی شود کسی را انتخاب نمود لذا اسامی اشخاصی که در دو کمیسیون انتخاب شده اند در خارج اعلان شده آن اسامی را ملاحظه کنند که آن اشخاص را برای این دو کمیسیون انتخاب فرمایند

در این موقع جلسه تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه)

امین الشریعه - عرض کردم توسعه علم و معرفت باعتبار تعلق هر دو قسم است با توسعه در امور دینی و توسعه در امور دنیایی اما راجع بتوسعه امور دینی عرض کردم دو طریق باید در نظر گرفته شود یک طریق صرف سکون اوقات است که در مدارس موجوده اطفال را با آداب اسلامی تربیت کنند طریق دیگر این است که باید وقت اعضاء اداره معارف پیش از پیش تربیت نسوان توسعه مدارس آنها صرف شود که با فلسفه و حقایق اسلامی آشنا شوند و حدود و حقوقی که خداوند برای آنها معین کرده است بدانند و اگر حقایق اسلامی را بفهمند و آشنا شوند از هر آرزویی که بنظر آنها می آید و از روی اشتباه می نویسند مستثنی خواهند شد تا توسعه علوم دینی مرحله اول دین است که اطفال مدارس از کوچککی که داخل تحصیل می شوند باخلاق دینی عادت و خو کنند اما این قسمت مکفی از برای حفظ اساس اسلام نیست جهتی که مکفی می شود و حافظ اساس اسلام است همانا توجه بمدارس قدیمه است چرا با رهان و فلسفه عرض می کنم نه از برای تعصب که یک وقتی طلبه مدرسه بوده ام بلکه برای این که فقهی که باید دارای علوم اجتهادی و مرجع تقلید شیعه بوده باشد و احکام خداوند را استنباط کند و بر مردم بفهماند و مرجع تقلید باشد از بین مدارس قدیمه بیرون می آید چون تحصیل هم سطحی است و هم عقلمانیته تصدیق می فرمایند این تعلیماتی که در مدارس جدید می شود برای این است که متعلمین برخلاف شرع و اخلاق مذهبی عادت نکنند و متغلق باخلاق شریعت محمدی ص بزرگ و کار آمد بشوند بنا بر این خیلی مفید و واجب است ولی آنچه کراجم با اساس دیانت است قسمت عمده اش توجه بنام مدارس قدیمه است که در آن فقه کامل می شود آنجا است که اساس دیانت حفظ شده و مجتهدین جامع الشرائط تربیت میکنند آنجا است که علوم دینی ما بهتقا محفوظ می ماند خاصه در این زمان که می بینید علمای بزرگ کدره هتبات داشتیم همگی بر حمت ایزدی پیوسته اند البته اگر ما حس اسلامی داشته باشیم باید معصیان را باین تعلیم و تعلم توجه کنیم و آنها را تشویق و تکمیل کنیم بنظر بنده یک قسمت از تشویق این است که بدو فوقات مدارس که از سابق معین است از طرف وزارت معارف توجه شود که بر حسب تعیین و اتف عمل شود و طلابی را که در مدارس قدیمه تحصیل می کنند بکار کردن و ادار کنند مثل اینکه در بیست

سال قبل با یک حرارت و ولعی مشغول کار بوده اند و حاله برخلاف سابق رویه انحطاط می رود و تصور می کنم که اگر همین ترتیب پیش برود تا بیست سال دیگر بکلی بساط درس و علم عمقی از بین برود فقط فقط در دست ما یک کتاب سطحی باقی بماند این است که در این قسمت یعنی علوم دینی چون مشترک مابین تمام اهل ایران است که عرض کردم باید اهمیت داده شود قسمت دوم راجع به علوم است که راجع بدنیای ما است بنده گمان می کنم قدم اول حفظ ادبیات و زبان فارسی است (گفته شد صحیح است) بقاء قومیت منوط به حفظ زبان آن قوم است ملاحظه فرمایید سایر ملل در حفظ زبان خود چه مساعی جمیله بکار میبرند و در ممالک خارجه برای نشرو بسط زبان خود چه پولها با چه وسائل خرج می کنند و برای اینکه لسان خود را در تمام دنیا توسعه دهند چه اقدامات می کنند خوب است ما هم متنبه شده و زبان اجدادی و نیاکانی خود را حفظ کنیم تصور نکنید بنده فرس قدیم را عرض می کنم خیر عرض بنده از زبان فارسی زبان مصطلح امروزه است که معمول شده و با عربی مخلوط شده است و آهم عیب نیست با زبانی مخلوط شده که زبان دینی ما است و اگر چه مخلوط شده ولی منقصیتی ندارد چرا که زبان دینی ما است و زبان دینی شریف است زبان عربی زبان دینی ما است و زبان فارسی هم زبان اجدادی ما است پس باید هر دو را حفظ کرده و در حفظ زبان فارسی و ادبیات آن سعی بلیغ و کافی مبذول شود این نظریات بنده است یکی از موجبات حفظ زبان را که بنده بهیئت محترم دولت پیشنهاد می کنم و امیدوارم قبول هم گردد این است که اولاً دفاتر دولتی بزبان فارسی نوشته شود اول قدم را دولت باید بردارد جهت ندارد دفاتر گمرک و ادارات و صادرات بزبان فرانسه باشد در صورتیکه تمام مملکت باید از او مطلع باشند و بدانند چقدر از مملکت می رود و در مقابل چه می آید وارد چقدر است و صادرات چقدر است تا سته قوی نیل دونهه بوده است یکی فرانسه و دیگری بفرانسوی ولی از سته قوی نیل باین طرف یک نسخه آهم بفرانسه است مگر فرانسه دان در مملکت ما چقدر است سایر مردم که فرانسه نمی دانند چه باید بکنند و این یک ضرر کلی به تمام اقتصاد دارد و ضرر دیگرش است که این ترتیب در تمام دفاتر دولتی نفوذ پیدا می کند و البته رأس هر جامعه هیئت مدیره آن جامعه است بعد از آن که امور قوه مجریه بزبان خارج جریان پیدا کرده بسایر دوایر هم طبعاً تأثیر می کند و در نتیجه زبان قومیت ما کم کم از بین می رود آنوقت اگر بزبان فارسی بخواهیم چیزی بنویسیم باید مترجم از خارج بیآوریم بموجب اطلاعی که بنده حاصل کرده ام بعضی از احکام دولتی بفرانسه نوشته می شود ببقیده بنده باید دولت ملتزم بشود که تمام بفرانسوی نوشته شود و اگر مستخدم اروپائی بملکت ما بیاید البته باید تبعیت از زبان ما بکنند یا باید زبان ما را آموخته و یا مترجم داشته باشد و یک نسخه فرانسه برای اون نوشته شود تا تلفت شود ولی اساساً اوستخدم ما است و جزء است و جزء باید تابع کل باشد این یک هلت است که موجب حفظ زبان فارسی خواهد شد یک چیز دیگری که بنظر بنده هلت

می آید هیئت است که باید در اداره معارف ایجاد شود برای وضع لغاتی که از خارج در مملکت ما آمده و پیدا شده است و ما لغتی برای استعمال آن ندایم مثلاً همین کلمه پروگرام ممکن است عوض پروگرام فهرست عملیات دولت بگوئیم اما راجع بتوسعه علوم که بکار دنیای ما می خورد اول باید از اصول فلسفی داخل شد ملت را ببینیم چند طبقه تشکیل می دهد جامعه ملت را سه طبقه تشکیل می دهد زارع کارگر تاجر این سه طبقه توده واقعی ملت را تشکیل می دهند و برای این کار این سه طبقه مرفه الحال باشند هیئت مدیره لازم دارند برای تسهیل زندگانی ملت سه علم لازم است علم تجارت و زراعت و صناعات است و جمیع فنون همان صنعتی که ملل سایر را بنیاد راج ترقی و انتهای تکامل رسیده است همان علوم و صنایعی که بیرون آورده و بواسطه همان صنعت و علوم کشف اسرار طبیعت را نموده اند این سه علم در مدارس برای اینکه محتاج الیه کل است باید ترویج شود بلی علوم سیاسی و حقوق هم محتاج هستیم برای چه برای هیئت مدیره و لیکن بهمان شماره و نسبتی که هیئت مدیره از سایر طبقات ثلاثه کمتر است بهمان اندازه هم باید مدارس سیاسی و حقوق از مدارس صنعتی و فلاحتی و تجارتی کمتر باشد این نکته علمی است البته ما بهیئت مدیره محتاج هستیم و اشخاص دیپلمات هم می خواهیم اما نه این که از تمام مدارس معلم حقوق و سیاست فهم بیرون بیاید فقط تحصیلات سیاست و حقوق باید برای قوه مقننه و قضائیه و مجریه باشد مگر ما چقدر لایسانس لازم داریم برای قوه مقننه و قضائیه چقدر قاضی و وکیل لازم داریم نسبت آنها را تمام جمعیت باید دید چند یک است آنوقت بهمان درجه بر مدارس صنعتی و فلاحتی و تجارتی باید افزود اگر مدارس مافقط سانس تربیت کند و صنایع و فوایح تربیت نکند طولی نخواهد کشید که تمام اهل مملکت ما سانس خواهند شد بنده توجه صده وزارت معارف را باین نکته اساسی جلب کرده و استدعا می کنم فنون تجارتی و فلاحتی و زراعتی را ب مردم بیاموزند تا اسباب ترقی مملکت شود بازرگانه توسعه علم باید این راهم عرض کنم که علم را منحصر بپهران نباید دانست طهران الحق و الانصاف در این مرحله از سایر ولایات خیلی پیش است و ترقیات معارفشان الحق جای انکار نیست و از سایر جاها فروز تر است پس باید توجه را بیشتر بولایات معطوف کرد که فاقد معلومات هستند فاقداً باید ایجاد کرده و وجود را تکمیل ولایات و ایالات راهم که اساس عمده ایرانیت بسته بانصال آنهاست بر گز باید مورد توجه قرارداد چرا در ولایات و ایالات ما از کلاس چهارم بیشتر نداریم چرا در ولایات مدارس از ابتدائی تجاوز نمیکنند و چرا باید آنها معرور باشند حتی در درجه دوم باید از آنها هم قدری تنزل و تجاوز کرد و توجه خاصی به بلوکات دهات نمود که بکلی هم از حیث حفظ الصحه و هم از حیث تعلیمات معرور اند چنانچه در بروز امراض مسریه در بلوکات دهات بواسطه نبودن طبیب و دوا اگر نسبت بدیم به جمعیتی که آنها داشتند شاید نصف تلف شده و از قله هستی به ورطه هولناک عدم و مرگ برتاب و سرازیر گردیده

اند و در همان سال انفلوانزا که دو سال قبل باشد بلوکی که پنجاه هزار نفر جمعیت و خانواده داشت احصائیه کنونی آنها به ۱۲۰۰ نفر میرسد که بواسطه نبودن علم حفظ الصحه فاقدهستی و نعمت ولادت پذیر شده اند و باید همواره مورد توجه قرار گیرد این بود عرض بنده که عرض کردم دیگر عرضی ندارم

وزیر معارف - چون بنده با نظریاتی که آقای امین الشریعه فرمودند اساساً موافقم این است که جواباً عرض بنده خیلی مختصر خواهد بود اینکه فرمودند در علوم دینی باید در مدارس از روی فلسفه تدریس بشود بنده تصدیق میکنم و شاید مطلع باشند که خود بنده اول مقدم در این باب بوده ام حتی امور دینی راجع به حفظ الصحه را مخصوصاً هجده سال قبل که در اروپا بودم با فلسفه هر چه تا متری کتابچه نوشته و منتشر کردم و در مدارس هم باید همینطور با فلسفه تدریس شود که بدانند منافع آنها چیست وقتی فهمیدند فراموششان نخواهد شد تربیت نسوان البته همان طور که بر مردان علم فرض و مسلم است بر نسوان هم همینطور قریضه و لازم خواهد بود و باید این اصل را به موقع اجرا گذاریم شاید انشاء الله بتوانیم ترتیبی فراهم آوریم که اصلاً تعلیمات را اجباری و عمومی کنیم بطوریکه همه تحصیل کنند (گفته شد صحیح است) توجه بمدارس قدیم هم یکی از آرزو و آمال دیرینه بنده بوده است که بمدارس قدیمه که علمای بزرگ ما داده است توجه مخصوصی بشود و قدر منزلت خود را دارا بشود و در ادبیات فارسی هم نظریات نماینده محترم را کاملاً تصدیق دارم و باید حتی الامکان در حفظ ادبیات فارسی کوشید حتی خیال بنده این است که پیشنهاد میکنم که در دارالفنون ما یک قسمت از فنون و علوم عالیه منحصر بادبیات فارسی باشد در باب مدارس تجارتی و فلاحتی و صنعتی هم کاملاً تصدیق دارم و موافق هستم اما راجع بتوسعه معارف در ایالات و ولایات بنده هم موافقم حتی بنده عقیده دارم که سه دارالفنون باید بدارالفنون طهران علاوه شود یکی در مشهد و دیگری در اصفهان و سومی در تبریز تا اینکه در ولایات هم هموطنان جوان ما که استعداد کامل دارند و بضاعت آمدن مرکز را ندارند استفاده کامل کرده و از نعمت تحصیل منتهم و برخوردار گردند و اگر فقط یک دارالفنون در مرکز داشته باشیم انحصار علم را فقط بر کز و اشخاصی که متول باشند داده ایم باید یک دارالفنون هم انشاء الله در مشهد و یکی در اصفهان برای جنوب و یکی هم در تبریز تأسیس نمود و اگر بتوانیم زیادتر ولی این سه باب حتمی الزوم است انشاء الله پیشنهادات خودم را تقدیم خواهم کرد و امیدوارم که آقایان نمایندگان محترم هم با این پیشنهاد موافقت فرمایند در ایام اقامت خود در مشهد بنده یک اقداماتی برای تأسیس دارالفنون آنها نمود و با عشق و علاقه مخصوصی که آقای رئیس الوزرا بانجام این کار داشتند نزدیک بود در مشهد صورت خارجی پیدا کند مع التأسف نشد و انشاء الله در آینه درست خواهد شد

راجع ببلوکات و دهات هم بنده موافقت کامل دارم هم راجع بمدارس آنها و هم راجع بحفظ الصحه

آنها بنده در این مسافرتها و سیاحتها که کرده ام شخصاً حرکت کرده و منزل بمنزل با آنها چندین ساعت معاشر بوده ام و ضمناً مانجه میگردم و عدم حفظالصحه آنجاها را خوب مشاهده کرده ام البته برای امور حفظالصحه پیشنهاداتی تقدیم مجلس شورای ملی خواهد شد و امیدوارم مجلس شورای ملی هم تصویب می کند.

البته آقایان معترم میدانند در معارف و حفظالصحه خرج لازم دارد ولی این مضارح بمقتده بنده خرج نیست بلکه دخل است زیرا اگر حفظالصحه را خوب در مملکت رواج بدهیم يك قدم خیلی بزرگی در اصلاح برداشته ایم زیرا اگر همان رنجبرهایی که فرمودند حفظالصحه نداشته مریض شوند مالیات از بین خواهد رفت.

پس آقایان نمایندگان معترم وقتی که پیشنهاد وزارت معارف و صحبه تقدیم میشود باید يك قدری جوانمردی فرموده و امساک را روا ندارند امیدوارم در سایه اقدامات هم حفظالصحه عمومی درست شده و هم معارف ترقی بکنند این است آرزوی بنده و دولت.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسفم که وارد میشوم در زمان که ماده پنج که جزء اولش توسعه و تکمیل معارف است در صورتی که مدارس طهران تعطیل کرده اند ولی امیدوارم انشاءالله این مطلب بزودی تصفیه شود.

اما در مسئله توسعه معارف بنده نظریاتی دارم که عرض میکنم و خیلی خوشحالم که آقای وزیر معارف در مقام جواب بر می آیند ولی در آن ماده که در جلسه قبل بنده عرض کردم شاهزاده شهاب الدوله میل نداشتند جواب بدهند.

بهر حال مدارس مسلم است به قسمت تقسیم میشود ابتدائی - متوسطه - عالی اما راجع به مدارس ابتدائی برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم بعد از فتح طهران در همین مجلس کسبیهون عالی تشکیل شد و وزراء وقت آمدند شاهزاده سلیمان میرزاهم تشریف داشتند يك وزیر علوم داشتیم هر چه می گفتیم در جواب میفرمودند ز مسكوك لازم دارد و بعد ایشان فرمودند اصلاح پروگرام که زر مسكوك لازم ندارد اگر چنانچه یکی از شما ها اولاد داشته باشید و در مدرسه باشد می دانید چند قسم دستور لازم دارد هر جایك دستور مخصوصی وقتی که مادر مکتب خانهای سابق بودیم و کتاب موش و گربه می خواندیم در سایر مکتب خانها نیز همان موش گربه را میخواندند و این طور نبود که در هر مکتب خانه يك موش گربه علیحده بخوانند خوب است آقای وزیر معارف دقت بفرمایند که پروگرام مدارس تمام یکی و واجد باشد مثلاً در این مدرسه دستور دانش است در فلان مدرسه دستور معیذیه و هم منظور بتفاوت و اگر چنانچه خدای نخواسته شاگردی از این مدرسه بخواهد مدرسه دیگری برود باید يك کتاب دیگری بخرد خوب است آقای وزیر معارف در این خصوص اقدامی بفرمایند و پروگرام مدارس را متحد نمایند و مخصوصاً جدیدی بفرمایند که اقلاً از آن دوره قدیم که حسن و حسین میخواندیم

لااقل عقب نرفته باشیم و در مسئله مدارس ابتدائی هم همانطور که آقای امین الشریعه فرمودند بنده موافق هستم و لازم نیست تمام ما ها سیاسی بشویم و در وزارت خارجه برویم آنوقت بقال و بقال هم سیاسی میشوند و در تمام دکانها بسته می شود خوب است يك حدی معین شود و برای مدارس ابتدائی معیانی و متوسطه و عالی يك حدودی معین نمایند یعنی قانونی وضع نمایند که تمام سائس نشوند که هیچکس فکسر کارهای خوبی نباشد و نسبت به مدارس عالی هم نظریات بنده با این ترتیبات حایه مخالف است چون مدرسه عالی را بنده منحصر بدو چیز میدانم و راهش را هم پیدا کرده ام که نکوئید بودجه لازم دارد بهجردی که عرض کردم گفته شود زرمسكوك لازم است.

بمقتده بنده تحصیل معارف عبارت است از علم ربوبی و علم فقه و شریعت و حکمت الهی و یدران مادران خصوص برای مایك محل معین تعیین کرده اند و بنده از این کایه می خواهم (چون این رئیس الوزراه يك تصمیمی دارند و بیان فرمودند دوره سه و سه و سه است) همانطور که آقای امین الشریعه فرمودند اوقاف يك منابع ثروتی است که از این منابع می توانیم مدارس قدیمه خود را ترتیب داده علوم حکمت و فقه و معارف الهی در آنجاها تدریس بشود چون این علوم عملاً قریب بکلی از میان ما خواهد رفت برای اینکه هیچ وزیر نی آید برای علوم فقه و حکمت الهی و غیره ترتیبی معین نماید یا اگر ترتیبی معین کنند شورای عالی میگوید عمومیت ندارد بنده عرض می کنم این مدارس محل خاصی دارد و محتاج به تصویب مجلس شورای ملی نیست.

(جمعی گفتند از موضوع خارج است)

آقا سید یعقوب - حفظ نظام مجلس با رئیس مجلس است آقایان هر يك حرفی دارند اجازه بخواهند بعد حرف خودشان را بگویند بنده عرض می کنم اداره کردن آن مدارس هیچ چاره فیراز اداره کردن اوقاف ندارد و اداره کردن اوقاف وظیفه وزیر معارف است اگر اوقاف ما اداره بشود سه سالی کرور بایشتر عایداتش می شود و باید برای مدارس قدیم هم ترتیبی داده شود نظامنامه معین شود و همین مدارس قدیمه را مدارس عالی قرار بدهند و ترتیب تحصیل کردن در این مدارس را معین نمایند مختصر تمام توجه من برای احیاء کردن مدارس قدیمه مرکز و ایالات و ولایات است و از این کایه (که میخوانم فعالیت خودش را نشان بدهد) خواهش میکنم يك اقدامی بنمایند که این آثار قدما یعنی آن آثاری که ملیت و قومیت و بالاخره همه چیز ما منوط بحفظ آنها است از بیفتد (گفته شد صحیح است) این است که باید در مسئله اداره کردن اوقاف يك توجه خاصی بشود و بودجه و مخارجش مرتب بشود آنوقت امیدوارم که مملکت ما بعد مدتی معرفی نشود.

وزیر معارف - اینکه فرمودند توسعه معارف با تعطیل مدارس شروع شده و از آنطرف تنقید کردند که برای معارف زرمسكوك خواسته اند البته صحیح نیست اما راجع به مدارس چنانچه عرض کردم علت تعطیل مدارس این است که چندماه حقوق معلمین تمویق افتاده

و از وقتی که کابینه حایه تشکیل شده با این کم پولی مبلغ ده هزار تومان در دست در نظر نیست به آنها داده شده و وعده داده شده بود که در ظرف همین هفته باز وجهی از باب حقوقشان داده شود مع التأسف باز صبر نکردند که این دوروزه جمعه و شنبه بگذرد و تعطیل نمودند بنابراین امیدوارم در ظرف همین هفته حقوق معلمین مدارس برسد و امیدوارم که من بعد محتاج به تعطیل نشوند و عقیده بنده این است که من بعد پول مدارس در میضغانها باید مرتباً برسد اما راجع باوقاف منتهی آرزو و آمال بنده است که انشاءالله بتوانم يك مساعدت هائی بمدارس قدیمه بنمایم و گمان میکنم که هیچيك از آقایان در این باب مخالفتی نداشته باشند که مدارس قدیمه بمقامات عالی خرید برسد و در خصوص پروگرام هم در این چندروزه هنوز فرصت نگردانم انشاءالله اول کاری که انجام داده میشود تعیین پروگرام مرتب خواهد بود که مقاصد نماینده محترم معارف انشاءالله حاصل شود.

مستشاران - بنده تصور میکنم در اصول آرزوهائی که در اطراف معارف مملکت در نظر نمایندگان محترم است مذاکرات شد و تصور میکنم آقایان نمایندگان محترم حیات ملی و سیاسی کنونی خودشان را در ظرف علوم قدیمه و حکمت و فلسفه میدانند و يك نکته دیگر را که میخواستیم به آقای وزیر معارف تذکر بدهم این است که در پروگرام کنونی وزارت معارف يك نکته قابل توجه است و لازم است هیئت محترم دولت يك توجه خاصی در این نکته بفرمایند و آن اینست که پروگرام کنونی وزارت معارف در مدارس و مکتبائی که بدست مدیران ایرانی اداره میشود گمان میکنم واحد باشد ولی مدارس که در تحت نظر خارجی و اجنبی اداره میشود پروگرام وزارت معارف کاملاً منظور نمیشود و بکلی مخالف است و البته در این موضوع کمال مساعدت را دارند و وقت کاملی خواهند فرمود که با پروگرام مدارس ایرانی متحد باشد و همچنین پروگرام مدارس سایر ایالات و ولایات که باید موافق پروگرام وزارت معارف اداره بشود.

رئیس - آقای تدین (اجازه نطق) قدیم - در ماده پنجم که راجع توسعه و تکمیل معارف شده است البته تمام آقایان میدانند که يك وزارتخانه هست معروف بوزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ولی در این ماده هیچ اسمی برده نشده و علت اینکه مسكوك عه مانده است بنده میدانم چیست علی ایحال بنده راجع باصلاح اوقاف کاملاً علاقه مند و معتمد وزارت معارف در آن حدودی که مجلس باو اختیار داده است اوقاف را اداره کند و اختصاص به اداره کردن مدارس قدیمه ندارد اگر چه بنده معتقد هستم که کاملاً باید مدارس قدیمه اداره شده و بر طبق وقف نامه رفتار شوند نهایت این است که وزارت معارف باید يك نظارتی داشته باشد و يك نظم و ترتیبی در طرف تحصیلشان برقرار نماید امروز مدارس قدیمه که در این شهر هست مدرسه سه ساله جدید درجه اول است مدرسه خان درجه دوم است و مدرسه صدر درجه سوم است و وسیع ترین پروگرامهای این مدارس آن پروگرامی است که برای مدرسه سه ساله جدید تهیه شده علاوه بر طریقیات و الهیات و ریاضیات و فلسفه و ادبیات و آنچه که لازم بوده است از معقول و معقول در آن قید شده و طبع هم شده ولی متأسفانه کاملاً بوقوع اجراء گذارده نشده است بنده

معتقد هستم که میتوان مدرسه سه ساله جدید را نظیر الازهر مصر کرد یعنی یکی از مدارس عالی مملکت قرارداد زیر الباق و استمدادش را دارد ولی متأسفانه باید عرض کنم که این اشخاصی که در این مدرسه و سایر مدارس هستند کاملاً بتکالیف معینه که در وقف نامه ذکر شده رفتار نمیکنند مثلاً بعضی از آنها در ادارات مستخدم هستند و در عین حال حقوق مدرسه را هم میگیرند البته وزارت معارف باید يك ترتیب صحیحی برای این کار قرار بدهد و از آن نظارت عامه که قانون باو داده است استفاده کرده و ترتیب صحیحی بدهد اما قسمت دوم از اوقاف آن قسمتی است که قانون تعیین کرده است و عبارت از خری آن موقوفاتی است که عایداتش باید بصرف خیریه برسد و از این راه ممکن است بر عایدات وزارت معارف افزوده شود ولی با کمال تأسف عرض میکنم که از سنه ۱۳۲۹ که قانون معارف از تصویب مجلس گذشته است تا بحال آن قدری که باید در اداره کردن اوقافی که قانون بوزارت اوقاف حق داده است مصروف بشود بعمل نیامده است و اکنون يك معایب اخلاقی و اجتماعی در این مسئله موجود است مثلاً امین اوقاف ولایات می فرستند بدون حقوق بنده در سابق مکرر بوزراه وقت پیشنهاد کرده ام که امین اوقاف نباید بدون حقوق ولایات فرستاده شود البته مفاسد و معایب این امر بر جمیع آقایان واضح است مسئله (که بقول خودشان میگویند) اگر در اوقاف بواسطه يك مهر و يك مارگی که از اداره اوقاف باو رسیده است يك ملکی را وقف یا وقفی را ملك کند حضور خواهد شد؟ البته بعضی از آقایان هم رفتار و عملیات بعضی از نمایندگان اوقاف را در ولایات دیده اند و بهتر می دانند و محتاج بتوضیح بنده نیست همینطور در مرکز که نفوذ و قدرت هیئت دولت تا يك درجه زیاد است می توانم بگویم در این اواخر موقوف علیهم شده اند اگر کسی سؤال نماید شما از وقتی که در اینجا مشغول اداره کردن امور هستید کدام يك از اوقاف را اداره کرده اید و عایدات این اوقاف را از باب عشرونیتم عشر چه کار کرده اید و کدام يك از آنها را وصول کرده اید جواب ندارند بنده عقیده ام این است که این قسمت نباید طرف توجه وزارت معارف قرار بگیرد و با کمال اطمینان می توانم عرض کنم اگر چنانچه باین قسمت از اوقاف که هیچ حمله خارجی هم ندارد اندک توجهی بشود وزارت معارف میتواند از عایدات این قبیل اوقاف چندین مدرسه دایر نماید و مخصوصاً ایام و اطفال بی پدر و مادری که در سابق شهبای زمستان با سگها در کوچه و بازار هم آغوش می شدند تربیت و تعلیم نموده و از مفاسد اخلاقی آنها جلوگیری نماید اگر باین ترتیب رفتار شود گمان می کنم بیشرکت مقاصد واقعی کمک خواهد شد و مردم هم با کمال میل و اشتیاق این قضیه را تلقی خواهند کرد.

اما راجع باصلاحات اداری اوقاف عقیده بنده این است که این ترتیب حایه فرع زاید بر اصل است یعنی این همه اجزائی که دارد زیاد بر آن است که در قانون و نظامنامه داخلی وزارت اوقاف معین شده

است بیش از این در مسئله اوقاف عرضی ندارم اما راجع به معارف قبل از اینکه در زمینه نظریات خودم وارد بشوم راجع بفرمایشات آقای امین الشریعه می خواهم چند کلمه عرض کنم اگر چه از طرف آقای وزیر معارف اشاره بفرمایشات ایشان شد ولی بنده هم یادداشت کردم و می خواهم به آقای امین الشریعه تذکر بدهم که مسائل و احکام شرعیه را با فلسفه بشاگردان مدارس ابتدائی نباید آموخت عرض می کنم که این موضوع الان تا یکدرجه معمول است و احکام شرعی جزء پروگرام رسمی وزارت معارف هم برای دوره ابتدائی هم برای دوره متوسطه ذکر شده حتی در دوره ابتدائی در آخر سال ششم از مواد مهمه که طرف توجه هیئت متعنه است مواد شریعات است و بجمداً تاکنون خیلی طرف توجه واقع شده و البته بیش از این باید طرف توجه واقع شود.

اما راجع بفلسفه اگر مراجه بفرمایید بآن کتبی که در شریعات نوشته شده و باضای وزیر یا معاون معارف رسیده تا آن درجه که درخور فهم اطفال باشد فلسفه آنها قید شده است و اما راجع بقسمت اخلاقی آنهم جزء پروگرام وزارت معارف هست مخصوصاً مواردی که در شرح مقدس اسلام بیشتر با آنها اهمیت داده شود در آن پروگرام قید شده حتی يك قسمت از معاصی کبیره هم در تحت عنوان دروس اخلاقی اسم برده شده که معلمین شرح و بسط و بتعمین تعلیم می دهند علی ای حال تا این اندازه معمول است و امیدوارم که بیش از این طرف توجه واقع شود و در پروگرام مدارس متوسطه و عالی هم یک قسمت از شریعات قید شده است مدرسه دارالفنون که يك مدرسه متوسطه است (چون دارالفنون در این مملکت هنوز معنای حقیقی را بخود نگرفته است يك مدرسه متوسطه ۶ ساله است) فقه هم تدریس میشود دیگر از مدارس که این قبیل علوم تدریس میشود مدرسه سیاسی است که در این مدرسه هم فقه و شریعات جزو پروگرامش هست ولی بنده تصور می کنم این مقدار کم است و بیشتر از این باید طرف توجه واقع بشود این راجع به بیانات آقای امین الشریعه اما راجع بتوضیحی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند که دستور القیاء چند قسم است در واقع اختلاف کتاب راضر و نظر بوحدت مکتب داشتند این موضوع قابل بحث نیست برای اینکه وزارت معارف يك موادی در پروگرام معین می نماید و بمؤلفین دستور میدهد که مطابق آن مواد کتبخار شده کتاب تألیف بنمایند يك کتاب بالخصوص را که نمیشود برای تعلیم تألیف کرد و به مدارس تخصیص داد باید کتبی تألیف کرد که مطابق با مواد آن پروگرام باشد ولو اینکه عباراتش مختلف باشد اتحاد پروگرام در تمام دنیا هست ولی اتحاد کتب در هیچ نقطه معمول نیست این مطلب را هم من باب تذکر عرض کردم

اما راجع باصلاحاتی که در موضوع معارف در نظر دارم می خواهم هم وزارت معارف را تذکر بدهم و هم خاطر آقایان نمایندگان محترم را بآن جلب بنمایم مدارس جدید به سه درجه تقسیم میشود ابتدائی - متوسطه - عالی ۰ مدارس ابتدائی آن مدارس

است که تا آن اندازه تحصیل کردن هر فردی لازم است و کسر از آن نمیشود و دوره اش محدود است یعنی يك طفل حامل هم بآن اندازه باید تحصیل کند و غیر حامل هم باید تحصیل کند مدارس ابتدائی امروز در ایرانی بر دو قسم است

يك مدارس است که معلمین اداره می کنند دیگری مدارس است که دولت متحمل اداره کردن آنهاست مدارس ابتدائی دولتی ناقص است و نقصان او از این حیث است که دوره تحصیلش کامل نیست و چهارساله است بهیچوجه این مدت برای تحصیل دوره ابتدائی اما کافی نیست

همانطور که در اغلب ممالک معمول است باید لااقل شش سال باشد اگر چه در این مدارس ابتدائی دولتی که عبارت از مدارس معیانی است از پارسال با اینطرف همین موضوع پیش بینی شده و به بعضی از آنها يك کلاس افزودند يك کلاس هم امسال افزوده اند و حالا يك مدرسه دارای پنج کلاس است و بکلی در این شش کلاس یکی چهار و بنضی پنج و بعضی شش کلاس این است که بایستی توجه مخصوصی شده این مدارس را متعادل شکل نمودن دولت سی مدرسه معیانی ابتدائی دارد که از حیث درجه به سه قسمت تقسیم می شود بعضی ها چهار و بعضی پنج و بعضی شش کلاس دارند و از برای پیشرفت تعلیمات این اختلاف مضرات اما راجع به مدارس متوسطه دوره متوسطه شش ساله را پروگرام وزارت معارف شش سال تعیین کرده است ولی باز با کمال تأسف عرض می کنم که در تمام نقاط ایران يك مدرسه متوسطه ۶ ساله داریم آنهم دارالفنون است.

شاید آقایان معترم اسامی یکمده از مدارس متوسطه را بشنوند مثلاً مدرسه فلان در فلان جا ۰۰ ولی این اسامی را در روی این مدارس گذاشته اند که در آینده مدارس متوسطه کاملی بشود ولی امروز فقط يك مدرسه متوسطه داریم آنهم دارالفنون است بقیه مدارس یا يك کلاس متوسطه دارد یا دو کلاس یا ۳ کلاس

وزارت معارف باید يك دقتی در این مدارس متوسطه بفرمایند و آنچه بنده معتقدم ترتیبش این است که وزارت معارف راجع باجر کردن مدارس متوسطه و جلوگیری از این ضررها می تواند يك ترتیب خاصی اتخاذ کند ملاحظه بفرمایید در هفت مدرسه متوسطه متعلق بدولت که در هر مدرسه سه کلاس متوسطه شاید باشد وقتی دقت کنیم ببینیم کلاس اول متوسطه ۲۰ یا ۲۵ نفر شاگرد دارد کلاس دوم متوسطه یعنی هفتم ده یا ۱۰ نفر کلاس سوم یا نهم پنج یا ده نفر این کلاسها دارای چندین هزار تومان مخارج است ولی عایداتش چقدر است؟ هفتاد هشتاد یاصد تومان و آنوقت مدیر مدرسه باید هم معلم باشد هم مدیر باشد همانطور که در يك

مدرسه ملی مدیر مدرسه بر حسب پیش آمد و احتیاجات ضروری يك کلاس اضافه می کند یا يك کلاس حذف میکند وزارت معارف هم باید همین نظر را داشته باشد ملاحظه کنید که آیا شاگرد سه کلاس را می شود در يك کلاس جای دهند یا نه و الا حالا با این ترتیب

مدرسه متوسطه صرف اسم است که در این مدرسه يك كلاس باشد در مدرسه ديگر دو كلاس . . . از این حیث هم البته وزارت معارف باید يك اصلاحاتی را در نظر بگیرد . اما مدارس عالی به آن معنایی که در خارج هست در ایران وجود خارجی ندارد . آقای وزیر معارف بدارالفنون اشاره فرمودند دارالفنون یعنی آن مدرسه که شعبه عالی علوم باید در آن تدریس شود متأسفانه اکنون يك شعبه از دروس عالی بهافی است و آن علم طب است اگر چه تا چند سال قبل خیلی خوب نبود ولی متأسفانه این دکتراهایی که امروز از شعبه طب بیرون می آیند نسبت به دکتراهایی که سابقاً بیرون آمده اند معلوماتشان کمتر است و دیگر از مدارس عالی مدرسه سیاسی است که تحصیل علم حرق هم در آنجامی شود دیگر هر چه گردش کنیم در هر کز و غیر مرکز شعبه عالی نمی یابیم مگر مدرسه حقوق که از طرف وزارت عدلیه تأسیس شده با بودجه سالی ۱۹ یا ۲۰ یا ۲۱ هزار تومان و اگر منصفانه نظر بکنیم این مدرسه بکلاس اکابر شبیه است یا بيك مدرسه عالی نظریات بنده این است که این مدرسه حقوق يك چیز زائدی است و بنده معتقدم عرض این مدرسه حقوق که در خارج از دائره وزارت معارف است دو كلاس بدمدرسه سیاسی اضافه شود تا نواقص این مدرسه هم رفع شود چرا؟ برای اینستکه مدرسه سیاسی دارای پنج سال تحصیل است سه سال مقدماتی دو سال مؤخراتی ولی دو سال مؤخراتی در مدرسه سیاسی کافی نیست همان متعلمین که از اروپا استخدام می شوند برای تعلیم علم حقوق و چه عیب دارد بروند در مدرسه سیاسی تدریس نمایند و حقوق خود را بگیرند اگر اینطور شود هم دو كلاس بدمدرسه سیاسی افزوده می شود و هم شاگردان در زیر دست این معلمین تحصیلات منظم مینمایند و مسلماً آنوقت از بودجه کثیر حالیه اش کاسته شده و مدرسه سیاسی هم از مدارس عالی شده و شاگردانی که در آن جا تحصیل می کنند معلوماتشان بیشتر خواهد شد بنده معتقد با بقاء مدرسه حقوق نیستم بلکه معتقد با الحاق آن بدمدرسه سیاسی هستم آنطوری که بنده اطلاع دارم از این كلاس اكابر از يكساعت و یا نیمساعت بفرود میروند بجهت تحصیل شاید يك عده هم از شاگردان مدرسه سیاسی باشند . راجع بدارالفنون هم نظریات بنده این است که دارالفنون ما باید مفهوم و مقیاس حقیقی خود را پیدا کنند و شعبه طبی کاملی هم در آنجا تأسیس شود شعبه سیاسی و مهندسی و ادبیات هم باو ملحق بشود آنوقت شاید بيك دارالفنونی پیدا کنیم که دارای شعبات دروس کامله باشد . اما راجع بقسمتی که آقای وزیر معارف فرمودند که خیال دارنده دارالفنون درسه نقطه مهم از مملکت دایر نمایند البته بنده کاملاً موافق با این مقصود هستم ولی ناچارم يك نکته را عرض کنم و آن این است که این عقیده ایشان امروز ممکن نیست اجراء شود چرا؟ برای اینکه و شاگرد متوسط باید از ابتدائی بیرون بیاید و شاگرد دارالفنون باید از مدرسه متوسطه بیرون بیاید پس ما که در تمام

مملکت ایران يك مدرسه متوسطه داریم و آن هم شاگرد متوسط بیش از سالی ده یا نوزده نفر بماند ما چطور در تبریز و مشهد و اصفهان میتوانیم دارالفنون تأسیس نماییم؟ پس اول کاری که باید کرد تهیه شاگرد ابتدائی باید نمود بمداز آنکه منظم شدواز این مدارس در سال دو یا سه هزار نفر شاگرد فارغ التحصیل شدند آنوقت ده دو باید بدمدارس متوسط داخل به شوند چون بیشتر نمی شود و احتیاجات عمومی مانع است که تمام شاگردان فارغ التحصیل مدارس ابتدائی بتوانند وارد مدارس متوسط بشوند . بنابر این اگر مدارس متوسط دایر شد و در هر سالی هزار نفر یا صد نفر یا دویست نفر شاگرد هر چه بیرون بیایند از بین آنها ده يك یا ده دو بیشتر موفق بتحصیل علوم عالی نخواهند شد بنابر این اول مدارس ابتدائی باید دائر شود بعد متوسط بعد انشاءالله دارالفنون باید درست کرد والاغیر از این ترتیب بنده عملی نمیدانم و جزو مرام میدانم

وزیر معارف - در باب حق نظارت وزارت معارف و اوقاف میتوانم عرض کنم که بعد ها شاید وزارت معارف بتواند از این حق خود استفاده نماید دیگر اینکه چون همیشه اوقاف جزو وزارت معارف بوده باین جهت وقتی که در این ماده معارف نوشته شده البته اوقاف هم جزواوست راجع بدوره ابتدائی و متوسطه که فرمودند بنده تصدیق میکنم که دوره ابتدائی چهار سال کم است و باید شش سال باشد و راجع بدارالفنون که فرمودند بنده عرض می کردم که دارالفنون ما کامل است البته از برای هر ایرانی و مخصوصاً برای بنده يك مسرت و افتخاری میشد اگر چنانچه میتوانست در پشت تریبون اظهار نماید که دارالفنون ما کامل است خود بنده هم معتقدم که دارالفنون ما اسم است و از شعبات فنی فقط يك شعبه طب را دارد که آنهم خیلی ناقص است البته همه همت کنیم تا تکمیل شود و اینکه بنده عرض کردم لازم است سه مدرسه دارالفنون یکی در مشهد یکی در تبریز و یکی در اصفهان در اصفهان دائر شود و آقای تدین فرمودند که حالا ممکن نیست البته بنده ترتیبات را آنقدر میدانستم که اول باید مدارس ابتدائی را مرتب کرد بعد مدارس متوسطه و بعد مدارس عالی را عرض کردم باید در نظر ما باشد که در ضمن عملیات خودمان که مدارس ابتدائی و متوسطه را در ایالات و ولایات ترتیب میدهم يك وقتی هم در این سه نقطه مهم مملکت که تبریز و اصفهان و مشهد باشد دارالفنون هائی ترتیب بدهم اما آن دارالفنون هائی که در نظر بنده است اینستکه بيك دارالفنونی باشد که وقتی شاگرد از یکی از این دارالفنون ها فارغ التحصیل شد محتاج نباشد که بخارجه برود و نظر بنده این نبود که از همین امروز اقدام کنم عقیده ام را عرض کردم راجع بمشهد عرض کردم اقدام هم شد ولی متأسفانه موفق نشدم فقط مرفق به تأسیس دارالفنانشدم در آنجا هم مکانش موجود بود و هم پولش موجود بود اگر بيك کمی همراهی میشدممكن بود بنایش را هم تهیه نمایم و اول از شعبه ادبیات شروع کنیم و بعد کم کم راجع بسایر شعبات فنی از قبیل فلاحتی و صنعتی و مهندسی و غیره اقدام نمایم پس بنابر این با این ترتیب که راجع باصلاحات معارف فرمودند موافقم و اول باید مدارس ابتدائی و متوسطه را حاضر نمایم وقتیکه

دیدیم چند مدرسه ابتدائی و متوسطه کامل داریم آن وقت شروع بدایر نمودن مدارس عالی نمایم و مدارس عالی هم باید در خیالمان باشد و از نظرمان معو نگردد .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب يك توضیح مختصری دارند

آقاسید یعقوب - این کلمه را که بنده عرض کردم محتاج بتصویب مجلس شورای ملی نیست مقصودم این بود که مدارس قدیمه موقوفه دارد و از همان محل موقوفه میبایستی مصرف آنها کنند

رئیس - در این ماده آقایان مذاکرات را کافی میدانند

مدرس - بنده اجازه خواسته بودم (بعضی یکمرتبه میگفتند کافی است عده قلیلی می گفتند کافی نیست)

رئیس - نیشنوم آقایان مذاکرات را کافی میدانند (گفتند کافی است ولی عده برای رأی گرفتن کافی نیست)

رئیس - چون بعضی مطالب دیگر هم هست اگر آقایان تصویب میکنند بماند برای جلسه دیگر و برای رأی گرفتن هم آقایان باید ترتیبی بدهند چون چند نفر بیرون هستند و تشریف نمی آورند نمیشود مجلس را برای اینکه چند نفر از آقایان میخواهند در خارج مذاکره کنند معطل کرد (بعضی گفتند صحیح است) آقای آقاسید فاضل سؤالی از آقای وزیر فوائد عامه دارند

آقاسید فاضل - بنده خواستم از آقای وزیر فوائد عامه سؤال کنم راجع بخرابی راه شوسه لنج خصوصاً پل رودخانه شور که سال گذشته راه را قطع کرده بود و بعضی خرابی های دیگر که اداره لنج در مقام تعمیر بر نمی آید و ملتزم به اجرای مواد کنترانش نیست و باج و خراج راه را هم موافق کنترانش علاوه می گیرد و اگر آقای وزیر فوائد عامه از این موضوع اطلاعی دارند بفرمایند

وزیر فوائد عامه - در موضوع راه شوسه قم هیئت دولت از روزی که تشکیل شده مشغول اقدامات است نتیجه آن بزودی بعرض مجلس خواهد رسید

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله هم همین سؤال را داشتند؟

حاج شیخ اسدالله - همین سؤال را داشتیم با یک قدری اضافه

رئیس - راجع بخرابی پلها است

حاج شیخ اسدالله - از خرابی پلها زیاد تراست

رئیس - بفرمایند

حاج شیخ اسدالله - قضیه پلها و خرابی آن که با رسال اتفاق افتاده است و باز در وقوع بارندگی اگر خدای نخواسته پلها را آب ببرد و طهران از حیث آذوقه دچار مضیقه شود سؤالی بود که آقای آقاسید فاضل فرمودند ولی بنده يك سؤالی دارم راجع باساس این راه و آن این است که مطابق خبری که شنیده ام و تحقیق کردم مدت امتیاز اداره لنج نسبت با این راه مقتضی شده است و علاوه به شرایط کنترانشان

هیچ عمل نکرده است و حقوقی را هم که باید در این مدت بدولت بپردازد تأدیه نکرده و با اینکه مدت کنترات اداره لنج منقضی شده جهت اینکه این راه تا بحال در تصرف اداره لنج است و پلها را نمیسازد و باج را هم می گیرد و دولت این راه را تصرف نمیکند چیست

وزیر فوائد عامه - جواب همان بود که عرض شد دولت چه راجع به پلها و چه راجع بمطالب دیگر مشغول اقدامات است

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله سؤالی از آقای وزیر مالیه راجع بوضع نان داشتند مطمئناً کرده اند؟

حاج شیخ اسدالله - بلی سابقه داده ام

رئیس - بفرمایند

حاج شیخ اسدالله - راجع بامرنان باینکه اداره ارزاق چندی قبل اعلامی منتشر کرد که اداره ارزاق جنس بقدر

کفاف تهران دارد بنده هم مطابق تحقیقاتی که کرده ام و اطلاعاتی که دارم تجاوز از سی هزار خروار جنس در انبار خود شهر موجود است و بیست هزار خروار متجاوز هم در خارج و اطراف تهران موجود است و شاید يك جزئی هم که کم بوده است دولت بیش بینی کرد مشغول خریداری از عراق و جاهای دیگر است با این ترتیب عمل جنس مرتب شده است معذالك این چندروزه عمل نان تهران خیلی سخت شده با اندازه که يك نفر که می رود برای خرید يك يادو قرصه نان باید از تمام زندگانی خود دست بکشد و صبح که می رود ظهر باید برگردد و ظهر که می رود شام باید برگردد و آنهم با دست خالی آنچه بنده شنیده ام بعلت کمی نان و کثرت جمعیت این است که اداره ارزاق خبازها جنس کم میدهد با اینکه اعلان کردند که جنس بقدر کفایت موجود است جهت اینکه بخبازجنس کم میدهند چیست و در این موقع سال که باید نان از همه جهت فراوان باشد چرا امرنان را از برای فقرا سخت کرده اند؟

وزیر مالیه - در جلسه آینده جواب عرض خواهم کرد

رئیس - جلسه آینده روز يك شنبه بیست و دوم صفر و دستور آن شور در تعیین مواد پروگرام هیئت معمرم دولت و شور در لایحه کمیسیونهای نظارت مغالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۳

صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و یکم صفر ۱۳۴۰ مطابق سی ام میزان ۱۳۰۰

مجلس بیست دقیقه قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .

(صورت مجلس یوم پنجشنبه بیست و هفتم میزان را آقای تدین قرائت نمودند)

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - دو فقره اصلاح در بیان بنده هست یکی اینکه مرقوم فرموده اند تحصیلات مدارس